



اسرار و معارف حج از دیدگاه سید عبدالله شتر (متوفای 1242 هـ.ق)

سید عبدالله بن محمد رضا شتر حسینی که در سال 1188 هـ.ق در نجف اشرف در جوار حرم امیرالمؤمنین (ع) چشم به جهان گشود و از چشمه زلال امامت و ولایت بهره‌های فراوانی جست...

سید عبدالله بن محمد رضا شتر حسینی که در سال 1188 هـ.ق در نجف اشرف در جوار حرم امیرالمؤمنین (ع) چشم به جهان گشود و از چشمه زلال امامت و ولایت بهره‌های فراوانی جست، آنگاه به‌مراه پدر از نجف اشرف روانه کاظمین شریفین شد و مدارج عالی علمی و اخلاقی را طی کرد، چشمه‌های علوم الهی و معارف اهل بیت (ع) به روی او گشوده شد و با عمر کوتاهش آثار گرانسنگی از خویش باقی گذاشت¹، و دانشمندان نامداری همچون شیخ عبدالنبی کاظمی و شیخ اسماعیل فرزند شیخ اسدالله (مؤلف کتاب المنهاج و رساله فی اصول الدین و ...) و مرحوم سید علی عاملی و شیخ محمد جعفر رحیلی و دهها نفر دیگر را تربیت کرد².
در سال 1242 هـ.ق در سن 54 سالگی وفات یافت و در جوار آن امام همام در حجره‌ای کوچک دفن گردید. رحمت واسعه الهی بر او باد³.

به مناسبت ماه ذی‌حجه و انجام مراسم پرشکوه حج به ترجمه بخشی از آن کتاب «الاخلاق»، در باره اسرار حج این عارف بزرگ می‌پردازیم تا راهیان وادی عشق در سرزمین وحی اعمال و مناسک خویش را با معرفتی افزونتر انجام دهند.
شیر بیان اسرار حج را با فرمایش صادق آل محمد (ص) چنین آغاز می‌کند:
امام جعفر صادق (ع) فرمود: آنگاه که تصمیم بر انجام حج گرفتی، قلب خود را خلوتگاه خدا کن و از هر چیزی که تو را از یاد حق بازدارد، خانه قلبت را تهی کن، کارهایت را به او واگذار کن و در همه حالات خویش بر خدا اعتماد نما و در همه خواسته‌ها، تسلیم قضا و قدر و حکم الهی باش. دنیا و آنچه سلب آسایش توست و بدان انس گرفته‌ای را رها کن، قبل از شروع به اعمال حج حقوقی را که افراد برگردن تو دارند، ادا کن. بر اندوخته خویش (اموال، وسیله رفت و آمد، دوستان همراه خوراکیها و جوانی خویش) اعتماد مکن زیرا ترس آن است که هر یک از اینها تو را از قرب به حق بازدارد و دشمن تو گردد، پس کسی که خشنودی خداوند را خواستار است، بر غرش تکیه نمی‌کند زیرا غیر مانع شده و دشمن خواسته‌های فطری می‌گردد و آن غیر را نه نیرویی و نه راهی برای حل مشکلات است و چنانچه چیزی در دست داشته باشد، باز هم در سایه توفیقات و کمک خداوندی است.

پس همانند کسی که امید برگشت از سفر را ندارد، خود را آماده نما و برای خویش همراه خوبی انتخاب کن، نسبت به زمان انجام عبادات واجب و سنتهای پیامبر (ص) توجه بسیار داشته باش، و واجبات اخلاقی (تحمل و صبر و شکیبایی و شکرگزاری و مهربانی و سخاوت و بخشندگی) را فراموش ننما، اندوخته خویش را در همه وقت بر دیگران روا دار.
با آب توبه بر تن کن. از آنچه مانع ذکر و یاد خدا می‌گردد و از طاعتش تو را دور می‌کند، بر حذر باش. آنگاه امام (ع) می‌فرماید:
تلبیه (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ...) بگو؛ یعنی پاسخ‌گوی راستین و خالصی باش که پاسخ لبیک تو برخاسته از نفس پاک تو باشد و در آن هنگام تمسک به قرآن و اهل بیت (ع) نما.
هنگام طواف به همراه فرشتگان الهی با قلب خویش در اطراف عرش او طواف کن همانطوری که به دور کعبه معظمه با دیگر مسلمانان به طواف می‌پردازي و بعد «هروله» 4 کن تا هوای نفسانی در هم ریزد و در خود غرور و قدرت نبینی.
سپس به سرزمین منی حرکت نما و آنچه را در عرفات به گناهان خود اقرار و اعتراف کن. و با خداوند یکتا پیمان دوباره بر قرار کن و به او نزدیک شو.

در مشعر «مزدلفه» در پناه خداوند خود را محفوظدار و با رفتن روی کوههای «مزدلفه» روح بلند خویش را به عالم بالا فرست و بدانجا راه یاب.
در قربانگاه با ذبح قربانی گردن هوای نفس اماره و طمع را قطع گردان.
در رمی جمرات - سه گانه - شهوات و خواسته‌های نفسانی خویش و پستی‌ها و زشتیها را دور کن. در منی با تراشیدن موهای سر زشتیهای ظاهری و باطنی خود را دور ریز.
و بعد با بازگشت به حرم و ورود به خانه حضرت حق، امنیت الهی را دریاب و از حمایتها و نعمتهایش برخوردار شو. همیشه خشنودی خداوند، تعظیم در برابر صاحب خانه و شناخت عظمت و قدرت او را در داخل خانه جستجو کن.
حجرالاسود را لمس کن و بیوس - خود را متبرک کن - و خشنودیت را از نعمت زیارت بیت‌الله اظهار نما و در برابر عزتت تواضع کن.

با انجام طواف وداع غیر خداوند را رها کن و بعد با ایستادن بر روی کوه صفا و نیایش، روح خویش را جهت ملاقات با خداوند جلا بده و بر روی کوه مروه خود را در برابر آئینه حق قرار داده و پاک گردان و بر پیمانی که با خدای خویش در حج بسته‌ای و فادار باش و ثابت قدم بمان زیرا؛ بدان تا روز قیامت عهد سپرده‌ای.
بدان خداوند هیچ فریضه‌ای را همچون حج به خویش نسبت نداده است؛ زیرا فرموده: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ

إِلَيْهِ سَبِيلًا». حق خداست بر مردم هر که استطاعت پیمودن راه بسوی خانه خدا را پیدا کرد، باید حج را به جای آورد⁵.
پیامبر خدا (ص) هیچ سنتی را در حج و مناسک مربوط به آن مشروع قرار نداد مگر اینکه نشانگر کمک‌خواهی از حق و رمزی برای توجه به مرگ و خانه قبر و برانگیخته شدن در قیامت بود.
سید عبدالله شتر پس از بیان روایت فوق - در دورنمایی از معارف حج - توضیحی بیشتر می‌دهد و آنها را طی هفده فصل به صورت کوتاه به ترتیب ذیل آورده است:

فصل 1 - تصمیم بر به جای آوردن حج
کسی که تصمیم حج و زیارت بیت‌الله الحرام را دارد، باید بداند که حج خانه او کاری والا مرتبه است پس باید خشنودی خداوند

و تقرّب به او را در نظر بگیرد و از تظاهر به ریاکاری دوری کند، در غیر این صورت تنها اموالش را نابود کرده و غیر از خستگی و گناه چیزی نصیبش نشده است.

قبل از سفر به خانه حق باید هر آنچه را با ستم از مردم گرفته برگرداند و بازگشتی حقیقی کند و بر پروردگارش با دامن آلوده به گناه وارد نشود. در سفر به سوی بیت‌الله سفر به سوی جهان آخرت را به یاد آورد، بلکه آن را به سفر آخرت تبدیل کند.

فصل 2 - توشه راه

زائر خانه خدا باید بداند سفری طولانی‌تر از این خواهد داشت که نیاز بیشتری به ذخیره کردن اعمال صالح و نیکو دارد و باید توجه کند مفاسدی همچون تظاهر به ریا اعمال حج او را که ذخیره سفر عظمی است، ممکن است نابود کند.

فصل 3 - وسیله سفر

زائر باید شکرگزار صاحب‌خانه باشد که وسیله سواری برایش فراهم کرده است تا بارهای سنگین او را منتقل کند و گرنه خود باید بارش را به دوش می‌کشید. باید یادآور مرکبی شود که او را به جهان آخرت منتقل می‌کند و آن مرکب جنازه اوست. پس تعجب و شگفتی از کسی است که برای سفر مشکوک «آیا بتواند برود و یا نه» خود را آماده می‌کند ولی برای سفر یقینی «مرگ»، هیچگونه آمادگی ندارد.

فصل 4 - خرید لباس احرام

به هنگام خرید لباس احرام - دو قطعه پارچه ساده ندوختند - به یاد کفن و پیچیده شدن در آن بیافتد، او که بزودی با دو قطعه لباس احرام در نزدیکی بیت‌الله الحرام سراسر وجودش را می‌پوشد - یکی را لنگ و دیگری را رداء و حوله خویش قرار می‌دهد - چه بسا اجل مهلت ندهد و سفرش را به پایان نرساند و با همین دو قطعه لباس احرام خدایش را ملاقات کند. پس همانطور که برای ملاقات خانه خدا لباسی را بر تن می‌کند که مناسب خانه الهی و مخالف تربینات دنیوی است، بداند که بعد از مرگ با همین‌گونه لباس به ملاقات صاحب‌خانه می‌رود. این دو لباس - احرام و کفن - چقدر شبیه یکدیگرند.

فصل 5 - بیرون رفتن از شهر و دیار

سالک به سوی بیت‌الله الحرام وقتی از شهر جدا می‌شود باید توجه کند که سوی خداوند منان می‌رود. پس توجه کند که در این سفر چه خوابسته‌ای دارد؟! و به کجا رو می‌برد؟! و چه کسی را می‌خواهد زیارت کند؟! و نیز به یاد سفر آخرت بیفتد که وابستگی‌اش را برای همیشه را رها می‌کند.

فصل 6 - پیمودن صحراها و کوهستانها جهت رسیدن به میقات
زائر از صحراها و کوهها عبور می‌کند تا به میقات برسد، باید مسافت خویش را پس از خروج از دنیا تا به میقات رسیدن قیامت رسیدن را تصور کند و بداند که در این میان منزلگاههای وحشت‌زا و درخواستهای گوناگون وجود دارد. آنان که بین راه مانع وی می‌شوند همانند نکیران و منکرانند و درندگان صحرائی و ... خانه قبرند و تنهایی زائر در راه، تنهایی ترسناک خانه قبر و سختیهای آنجاست پس جهت راه خویش و زاویه‌های پریچ و خطرناک قبر تا قیامت توشه و ذخیره‌ای را فراهم کنید و با خود همراه داشته باشید.

فصل 7 - احرام بستن و تلبیه گفتن در میقات

حاجی و معتمر خانه کعبه باید بدانند تلبیه به معنای پاسخ‌گویی به دعوت خدا است او امیدوار به پذیرش خویش باشد و از سوی دیگر ترس آن را داشته باشد که از جانب حق ندایی برآید «لا لَبَّيْكَ وَ لا سَعَدَيْكَ»؛ تو را نپذیرفته‌ام و سعادت از آن تو نیست.

پس زائر در میقات بین خوف و رجاء در برابر خدا می‌ایستد، تلبیه گفتن شروع و نقطه آغازین سیر الی الله است که جایگاهی عظیم و بزرگ دارد.

روایت شده است: امام چهارم زین‌العابدین چون به میقات می‌آمد تا لباس احرام بپوشد، مرکب خویش را تا ننگه داشت، چهره‌اش زرد گشت و حالت مادی وی تغییر کرد، لرزه بر اندام مبارکش افتاد و نتوانست ذکر شریف تلبیه را بر زبان جاری کند فرمود: «می‌ترسم پروردگارم بگوید: «لا لبیک و لا سعدیک» لذا با تأمل و زاری بسیار چون ذکر تلبیه را بر زبان جاری می‌کرد، بیهوشی و غش بر آن حضرت عارض گشت و از روی مرکب بزمین افتاد، این حالت برای آن بزرگوار تا پایان مراسم حج فراوان

پیش می‌آمد

فصل 8 - ورود به شهر مکه

به هنگام ورود به شهر مکه باید توجه نمود که به پایان حرم امن الهی رسیده است امیدوار شود که از عذاب و عقاب الهی در امام می‌گردد و در عین حال این اضطراب را داشته باشد که اهلیت نزدیکی به حرم را پیدا نکرده باشد و بدین سبب او منفور نزد حضرتش حق - جل و علا - باشد، پس امیدش در هر حال نزدیکی به صاحب خانه باشد که کرامت او شامل همه خواهد شد. او حق زائرش مراعات می‌کند و شرافت همسایه را ضایع نمی‌کند.

فصل 9 - نگاه بر خانه با عظمتش

حاجی به هنگام ورود در مسجد الحرام و نگاه به خانه، عظمت خانه خدا را با دل و جان ببیند و خود را نزد صاحب خانه بداند و امیدوار به ملاقات صاحب کعبه در آخرت باشد همانطور که در دنیا زیارت کعبه نصیبش شد. در آن هنگام حرکت مردم در قیامت بسوی بهشت را یادآور می‌شود و آرزو کند ورود همگی آنان را - زیرا در آنجا به بعضی اجازه ورود به بهشت داده می‌شود و از ورود بعضی دیگر جلوگیری می‌کنند -

فصل 10 - طواف کردن در اطراف کعبه

حاجی به هنگام طواف خود را همانند فرشتگانی که در اطراف عرش الهی طواف می‌کنند، بیانگارد و می‌داند که هدف طواف گردش قلب انسانی است با یادآوری صاحب‌خانه به طوری که شروع و پایان طواف با نام خداوند حاجی طواف را از حجرالاسود آغاز و به او ختم کند.

فصل 11 - لمس حجرالاسود

به هنگام حجرالاسود باید بداند که با خدای کعبه بیعت می‌کند تا از هر عملی که معصیت او را به دنبال دارد، پرهیز کند تصمیم قطعی بر وفاء به عهدش داشته باشد زیرا، هر کس از بیعت با خدایش تخلف ورزد مستحق خشم الهی می‌گردد. در روایات و احادی آمده است: «انَّ الْحَجَرَ يَمِينُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يُصَافِحُ بِهَا خَلْقَهُ كَمَا يُصَافِحُ الرَّجُلُ أَحَاهُ» حجرالاسود دست خداوند در روی زمین است مردم با آن مصافحه می‌کنند همانطوری که مرد با برادرش دست می‌دهد.

فصل 12 - گرفتن پرده کعبه و تمسک و چسبیدن به ملتمز

آنگاه که در مسجدالحرام سنگ را لمس کردی، با نیت تقرب بیشتر به خداوند سبحان و نشان دادن اشتیاق بیشتر خودت را به

کعبه نزدیک کن، و بدنت را به آن بچسبان، به امید حفاظت و دوری از آتش جهنم، زیرا هر چیزی از بدن که به کعبه بچسبید از عذاب الهی مصون خواهد بود، و خود را به پرده کعبه بیاویز و نیتت را پافشاری بیشتر در طلب مغفرت، آمرزش گناهان و امنیت در برابر عذاب قرار ده همانند خطاکاری که دامن بزرگتری را گرفته، التماس و تضرع در عفو بخشش خویش می‌کند و پناهی غیر از او نمی‌بیند. چنین کسی از دامن آن بزرگتر هرگز جدا نمی‌شود مگر اینکه عفو و بخشش او را بدست می‌آورد و امنیت را نسبت به آینده خویش تحصیل می‌کند.

فصل 13 - سعی بین کوه صفا و مروه در کنار کعبه

سعی‌کننده بین صفا و مروه خود را همانند بنده‌ای می‌بیند که در حیات مسکونی سلطانی در حال تردد است و این تردد و دو دلی از آن جهت است که اخلاص خویش به سلطان را اثبات کند و او با مهربانی بر او بنگرد و در عین حال نمی‌داند آن سلطان با او چه خواهد کرد؟ آیا او را بحضور می‌پذیرد؟ از این جهت رفت و آمد خویش را تکرار می‌کند - و از آنجا که خود هفت مرتبه را معین نموده بر هفتمین بار بسنده می‌کند - سعی بین صفا و مروه حرکت و تردد خود را در بین دو کوه ترازو در صحنه قیامت می‌بیند او کوه صفا را کوه حسنات می‌پندارد و کوه مروه را کوه گناهان، پس رفت و آمد بین آن دو و برای آن است که ببیند کدامین کفه بر دیگری برتری دارد؟ آیا عذاب بر غفران و یا غفران و آمرزش بر عذاب؟

فصل 14 - وقوف در سرزمین عرفات

اجتماع عظیم انسانی خداجو، مناجات و فریادهای بلند آنان را به همراه ناله، از هر قوم و ملتی، رفت و آمدهای بسیار زیاد به سوی شاعر همچون حبل الرحمة و مسجد عزه و ... با توجه به اختلاف آراء پیشوایان مذاهب و پیروان آنها و اتحاد و اجتماع در اداء این واجب الهی در سرزمین عرفات، حاجی و سالک الهی را باید به یاد صحنه قیامت بیندازد، او اجتماع انسانی آغازین و آخرین را به همراهی انبیاء عظام و اوصیاء گرام - علیهم صلوات الله - تصور کند و ببیند چگونه هر امتی به دنبال امام خویش است تا او را شفاعت کند.

آن هنگام با چنین تصورات زیبایی قلب شکسته خویش را به خدای خود توجه ده تا تو را در جمله قبول شدگان قرار دهد دعاهايت را مستجاب و مقبول و رحمتش را بر تو نازل کند، آرمانهای مقدست تحقق یابد. موقف عرفات از مواقف شریفه‌ای است که انسان خداجو در آن مکان با عظمت شرافت و بزرگی را بدست می‌آورد.

فصل 15 - وقوف در مزدلفه «مشعرالحرام»

ورود در مشعرالحرام - که جزء حرم مکی است - بعد از بیرون رفتن از حرم و قرق‌گاه الهی و اجازه مجدد صاحب‌خانه جهت داخل شدن در حرم او رحمت باز یافته دیگری است، زیرا سرزمین عرفات خارج از محدوده حرم امن است و مشعر الحرام جزء حرم امن می‌باشد در این سرزمین بر درهای رحمت خداوند نزدیک گشته‌ای، نسیم مهربانی او بر تو بار دیگر وزیدن گرفته است.

فصل 16 - رمی جمره عقبه در سرزمین منی

سرزمین منی جای اطاعت محض در برابر خالق و آفریدگار است. زائر باید اظهار بندگی کند و طوق عبودیت را بر گردن نهد و هیچ گونه وسوسه‌ای را از ناحیه عقل و اندیشه و نفس نپذیرد. حاجی خود را در جایگاه ابوالانبیاء ابراهیم خلیل الرحمان می‌بیند، زیرا که شیطان خواست حج او را در این مکان ناخالص کند و او را گرفتار هوای نفسانی نماید. اما خدا فرمان داد تا شیطان را از خود براند و با سنگ او را از خود دور کند و ریشه‌های وسوسه شیطانی را بخشکاند.

فصل 17 - قربانی در منی

قربانی فقط اظهار اطاعت محض در برابر خداوند عالم و سبب نزدیکی به او است. امیدوار باشد که در برابر هر جزئی از قربانی بتواند جزئی از بدن خویش را از آتش عذاب الهی برهاند و به وعده‌های نیکوی خداوند دست یافته باشد، مسلّم هر چه تعداد قربانین بیشتر شود و خود قربانی از قوت بیشتری برخوردار باشد تاوان بیشتری را در برابر آتش جهنم خواهد داشت. 7. تا به اینجا فصل‌های مربوط به اعمال و مناسک حج از سوی علامه سید عبدالله شبیر - ره - به پایان رسید. و لکن دو فصل دیگر در زیارت مدینه رسول الله (ص) دارد که با آوردن آن اسرار و معارف مناسک را از دیدگاه آن عارف آگاه به پایان می‌رسانیم.

فصل 1 - دیدار مدینه منوره

آنگاه که از مکه معظمه بازگشتی و به دیدار مدینه منوره پرداختی چون چشمت بر دیوارهای شهر مدینه افتاد، به یاد آور که این همان مدینه‌ای است که خداوند آن را برای پیامبرش انتخاب کرد تا بعد از مکه مکرمه و هجرت از آن در آنجا سکنی گزیند، مدینه‌الرسول همان شهری است که پیامبر (ص) واجبات الهی و سیره خویش را در آنجا به اجرا گذاشت و شریعت الهی قرارش داد و در آن شهر مبارزات و مجاهدتهای زیادی را علیه دشمن به انجام رساند، دین و شریعت خویش را کامل نمود و در آنجا به ملاقات پروردگارش شتافت و آرامگاه شریفش مزار همگان شد در وقت ورود توجه داشته باش که قدم خویش را در جایگاه قدمهای پیامبر خدا (ص) گزاردی و به هنگام تردد در این شهر نقطه‌ای را پا نمی‌گزاري مگر اینکه در آنجا قدمهای مبارکش نهاده شده است پس با آرامش قدم بردار و راه رفتن و قدم زدن حبيب خدا را در آن کوچه‌ها یادآور شو، آرامش آن حضرت را از یاد میر و با اعمال زشت زحمات خویش را از بین میر، و حریم با عظمتش را عزیز بدار و همانند یارانش در برابر او با نرمش و آرامی سخن بگوي.

فصل 2 - زیارت پیامبر خدا (ص) و ائمه معصومین (ع)

زائر پیامبر خدا و ائمه بقیع - علیهم صلوات الله - به هنگام ورود به حرم لازم است با طهارت خاضعانه و خاشعانه در برابر قبر و ضریح آنان بایستد و آنان را همانند زمان حیاتشان زیارت کند و زیاد به قبور متبرکه آنان نزدیک نگردد همانگونه که در زندگی آنان بخود اجازه نزدیک شدن زیاد را ببدن آنها نمی‌دادی.

توجه داشته باش آنان از حضور تو آگاه هستند ایستادن، نشستن و زیارت تو را می‌بینند، سلام و درود تو را دریافت می‌دارند و به جای خود می‌رسانند پس آنان را زنده در آرامگاه خویش بدان و آنگونه زیارت کن که در حال حیاتشان دریافته‌ای مقام والايشان را در ذهن خود تصور کن کلمات زیبا و موعظه‌های شیرین و دلنشین و نصیحت‌های شفاف‌بخششان را به یاد آور و همه را بگوش جان بشنو، زیرا که هدایتشان سعادتبخش و آرامش‌آفرین بوده و خواهد بود. 8.

پاورقیها:

1 - الأخلاق، السید عبدالله شبیر، ص 10، مقدمه.

- 2 - کتاب‌های ارزشمند علامه سید عبدالله شبیر در اصول اعتقادی، فلسفه، تاریخ، عرفان، فقه و اصول و
- 3 - الذریعة الی تصانیف الشیعه، العلامة شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج 2، ص 376.
- 4 - هَرَوَلَه: تند راه رفتن و دویدن آرام به طوری که شانه‌ها در آن هنگام بالا و پایین رود.
- 5 - آل عمران، 97.
- 6 - در بعضی نسخه‌ها همانند محجة البیضاء و اخلاق بشر، «لِلْإِسْتِعَاةِ» آمده و ما در ترجمه آن را لحاظ کرده‌ایم و در بعضی همچون بحارالانوار کلمه «لِلْإِسْتِعْدَادِ» آمده که آمادگی و پیدا شدن زمینه، ترجمه می‌گردد.
- 7 - محجة البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، ج 2، ص 208؛ بحارالانوار، ج 96، ص 124، ج 1.
- 8 - این روایت را از امام چهارم نیافتیم و لکن نظیر آن از امام صادق(ع) نیز آمده است، ر، ک: الخصال، محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه «الصدوق»، ج 1، ص 167؛ بحارالانوار، ج 47، ص 16، بحارالانوار، ج 96، ص 182؛ مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب، ج 4، ص 297.
- 9 - الاخلاق، السید عبدالله شبیر، صص 79 - 71، منشورات مکتبة بصیرتی، 1395 ه.ق.

احمد زمانی